

The Role of Government in Granting Legal Personality to Non-Human Entities: An Introduction to the Legal Recognition of Artificial Intelligence

 **Morteza Shahbazinia**

Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
shahbazinia@modares.ac.ir

 **Mohammad Javad Zolghadr**

PhD student in private law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding author)
m_zolghadr@modares.ac.ir



Abstract

A major theoretical challenge in recognizing artificial intelligence (AI) as a legal entity is distinguishing it from natural and other legal persons. To address the various legal issues surrounding AI, it is important to explore the concept of granting legal personality to non-human entities and consider the role of the government in this process.

This study, using a descriptive-analytical approach and a review of relevant literature, examines the issue and concludes that Iranian law acknowledges the nature of AI. The legal recognition of non-human entities may be achieved through contracts and government approval.

Journal of Research and
Development in Public Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring and
Summer 2024
(Original Article)

<https://jrpl.illrc.ac.ir/>

DOI:

10.22034/jrpl.2025.720752

In this process, the government can play a crucial role by establishing legal frameworks and utilizing registration mechanisms. However, due to the current lack of specific legal regulations, granting legal personality to AI under Iranian law is not yet feasible.

Keywords: Legal personality of artificial intelligence, granting legal personality to AI, legal personality




نقش دولت در اعطای شخصیت حقوقی به ماهیات غیرانسانی: درآمدی نظری بر امکان اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران،
shahbazinia@modares.ac.ir

مرتضی شهبازی نیا 

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران،
m_zolghadr@modares.ac.ir (نویسنده مسئول)

محمدجواد ذوالقدر 



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی
Research and Development in Public Law

پژوهش‌های حقوقی و علوم اجتماعی
Public Law and Social Science Research

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی
پژوهش‌های حقوقی و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

<https://jrpl.illrc.ac.ir/>

DOI:

10.22034/jrpl.2025.720752

چکیده

یکی از چالش‌های مهم نظری در مسیر قانونی‌شدن هوش مصنوعی، شناسایی آن به عنوان یک شخص قانونی در عرض اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر است. برای پاسخ‌گویی به بسیاری از سوالات حقوقی که در حوزه هوش مصنوعی وجود دارد، نیازمند آن هستیم که به پرسش درباره کیفیت اعطای شخصیت حقوقی به ماهیات غیر انسانی و در ادامه، به هوش مصنوعی و نیز نقش دولت در این اعطا، پاسخ مناسب دهیم. پژوهش حاضر با مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و با شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته و بدین نتیجه رسیده است که در حقوق ایران، ماهیت شخصیت حقوقی، اعتباری و شیوه اعطای آن به ماهیات غیر انسانی از طریق قرارداد و اعتباربخشی دولت است.

بدین معنا که در این مسیر، دولت با تعیین چهارچوب‌های قانونی و نیز از طریق اعمال نهاد ثبت، در تایید اراده اشخاص اعتبارکننده، در اعطای شخصیت حقوقی به ماهیات غیر انسانی ایفاگر نقش اصلی است. در نهایت، از آنجا که بر طبق مقررات و موازین فعلی حقوقی ایران، اعطای شخصیت حقوقی به ماهیات غیر انسانی تنها از مجرای پیش‌بینی و تایید قانونی میسر خواهد بود، با توجه به فقدان مقررات، فعلا زمینه برای اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی -در حقوق ایران- مهیا نیست.

کلیدواژه‌ها: شخصیت حقوقی هوش مصنوعی، اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی، شخصیت حقوقی

مقدمه

یکی از چالش‌های نظری در مسیر قانونی‌شدن هوش مصنوعی، شناسایی آن به عنوان یک شخص قانونی در عرض اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر است. سوالاتی از قبیل آنکه در تصادم دو کشتی خودران چه کسی مسئول است؟ در خسارات ناشی از حرکت خودرو خودران، مسئولیت متوجه چه کسی است و یا اینکه آیا خودرو مذکور می‌تواند برای مالک و مستقل از او - برای ادامه حرکت - سوخت یا قطعات یدکی بخرد؟ و اینکه آیا یک محصول هوش مصنوعی می‌تواند متصدی امری - همانند قضاوت یا داوری - شود که تا دیروز همگان برآن بوده‌اند که از مختصات انسان است؟ و آیا یک شرکت بزرگ می‌تواند هیئت مدیره‌ای متشکل یا مرکب از چند واحد هوش مصنوعی که به نمایندگی از سهامداران عمده، برای تصدی آن حوزه مسئول شده‌اند، باشد؟ جملگی فرع بر شناسایی یا عدم شناسایی هوش مصنوعی به عنوان یک شخص قانونی (واجد حق و مکلف به تکلیف) است.

پاسخ به این پرسش‌ها که ذکر شد و بسا سؤالات جدی‌تر نیازمند تدقیق و تحقیق جدی است. البته از آن‌جا که موضوع علم حقوق، احکام اعمال و کیفیت وضعیت‌هاست و نیز از آن‌رو که حقوق‌دانان را به ابعاد فنی این مسائل ورودی نیست (و نباید باشد)؛ حقوق‌دان باید بررسی کند که آیا این پرسش‌ها داخل در حوزه علم حقوق هست یا نه؟ می‌دانیم که علم حقوق علم مطالعه احکام روابط و وضعیت‌های تابعان آن است؛ پس پرسش اساسی از نظر نگارندگان آن است که آیا هوش مصنوعی مخاطب حقوق است و یا اساساً می‌تواند مخاطب حقوق باشد؟ یا به عبارتی فنی‌تر آیا هوش مصنوعی و ماشین‌های واجد هوش‌مندی می‌توانند به عنوان «شخص» تلقی شوند؟

شکی نیست که جواب‌گویی به ابعاد فنی سؤالات مطرح‌شده، از موضوع علم حقوق خارج است و نیاز به بررسی دانشمندان علم داده و مهندسان کامپیوتر دارد. حال آنکه شأن حقوق دأب حقوق‌دان، بررسی ابعاد حکمی موضوعات است. از دیگر سو بی‌تردید در فضای مطالعه امور حکمی نیز، برای پاسخ‌دهی به هر پرسش نمی‌توانیم بی‌تامل تام و با شتاب، پاسخ مثبت یا منفی دهیم. از این جهت در این موارد مطالعه و تحلیل، تنها راه راهگشا و پژوهش علمی تنها طریق قابل اتکا به نظر می‌رسد.

در همین راستا-همان‌طور که پیش‌تر اشارتی بدان رفت- بدو باید بررسی نمود از آنجا که علم حقوق، علم مطالعه روابط میان تابعان حقوق می‌باشد؛ آیا یک واحد واجد هوش مصنوعی، تابع حقوق هست یا نه؟ می‌دانیم که متعلق حکم در علم حقوق، فعل یا وضع شخص تابع آن است که به تبع، حکماً یا وضعاً توسط قانون‌گذار مورد تعیین تکلیف قرار می‌گیرد. پس در ظاهر پاسخ این سؤال و بسیاری دیگر از سؤالات مشابه، در گرو پاسخ به پرسشی است که بیان می‌دارد آیا می‌توان ربات یا الگوریتم و یا بطور کلی، واجدان هوش مصنوعی را از نظر این علم "شخص" محسوب کرد یا نه؟ و اینکه آیا اساساً این احتساب، ضرورتی دارد یا خیر؟

بدین مناسبت تدارک درآمدی نظری بر ضابطه حقوق ایران نسبت به اعطای شخصیت حقوقی به ماهیات غیر انسانی و نقش دولت در آن، لازم می‌نمود. زیرا تا روابط قانونی در مسیر شناسایی یک ماهیت غیر انسانی به عنوان «شخص»، مورد تحلیل و موشکافی قرار نگیرد، نمی‌توان بدو و تأمل ناکرده، نسبت به حق و تکلیف‌دار شدن هوش مصنوعی و متفرع بر آن، مسئولیت، دارایی، ذمه و سایر عناوین این‌چنینی در هوش مصنوعی اظهار نظر نمود. لذاست که سلسله‌ای از درآمدهای نظری در این راستا لازم است از جمله پژوهش حاضر با مرور بر ادبیات موجود در نظام حقوقی ایران و غور در نظرات صاحب‌نظران این نظام حقوقی، درصدد تنقیح نظرات و پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی برآمده که اگر بنا باشد روزی شخصیت حقوقی هوش مصنوعی در حقوق ایران مورد پذیرش واقع شود، اولاً چه لوازم و مقدمات حقوقی‌ای نیاز دارد و ثانیاً نقش دولت به عنوان رسمیت‌بخش اعتبار شخصیت حقوقی در این پروسه چیست؟ بنابراین است که پژوهش حاضر داعیه جامعیت و پاسخ‌دهی به تمام پرسش‌های این حوزه را ندارد ولی در تلاش است با منقح کردن نظریات علمای این عرصه و عرضه صورت‌بندی جدید از ادبیات موجود، بخشی از مسیر حل مسئله را بیپیماید و باقی را به پژوهش‌های آتی واگذارد. برای این منظور و برای پاسخ‌گویی به پرسش محوری پژوهش حاضر، ابتدا به بررسی تعریف و ماهیت شخصیت حقوقی و نظریات راجع به آن پرداخته شده و در نهایت نظریه مورد پذیرش در حقوق ایران تشریح می‌شود.

سپس به نقش‌های مختلف دولت در مسئله اعطای شخصیت حقوقی پرداخته و در نهایت این مبانی در مورد هوش مصنوعی تطبیق خواهد شد.

تعریف شخصیت حقوقی

حقوق دانان از شخصیت حقوقی تعاریف متعدد و متنوعی ارائه داده‌اند که تمایزات ظریف آن‌ها بعضاً باعث تفاوت‌های جدی می‌شود. در همین شرایط، این لفظ در دو معنا به کار می‌رود، در یک معنا «شخصیت حقوقی» به معنا صلاحیت خاص انسان است^۱ و در کاربرد دوم، «شخصیت حقوقی» به معنای شایستگی و اهلیت موضوعات غیرانسانی^۲ و استقلال شخصیت آن‌ها از شخصیت انسان و اشخاص حقیقی استعمال می‌شود (صفار، ۱۳۹۵: ۸۷). دکتر امامی شخصیت حقوقی را چنین تعریف نموده‌اند: «شخصیت عبارت از قابلیت است در انسان که بتواند در جامعه دارای تکلیف و حق گردد و آن را با واسطه یا بدون واسطه اجرا نماید.» (امامی، ۱۳۸۹: ۱۶۶)

نویسنده دیگری این‌گونه می‌نویسد که «اگر این وصف / شایستگی برای دارا شدن حق و تکلیف / ذاتی شخص نباشد، بلکه قانون‌گذار یا خردمندان جامعه آن را برای موجودات اعتبار نموده باشند، و در نتیجه قابلیت سلب و انفکاک از آن موجود را داشته باشد، در این صورت چنین شخصیتی را «شخصیت حقوقی» و دارنده آن را «شخص حقوقی» می‌نامیم.» (صفار، ۱۳۹۵: ۹۹) این تعریف واجد یک نکته روشن‌گر است که محل بحث از آن در همین فصل و در بخش تبیین مفاهیم است. شخصیت حقوقی، یک وصف یا یک حالت است که به یک موجود اعتباری یا عینی اعطا می‌شود تا بتواند طرف حق و تکلیف شود. همین دقیقه باعث اشتباه برخی نویسندگان شده و موجب اختلاط مفاهیم گشته است.

نویسنده دیگری شخصیت حقوقی را چنین تعریف نموده است: «شخصیت حقوقی عبارت از مجموعه‌ای از اموال یا اشخاص است که برای تحقق هدفی معین و مطابق ضوابط یا تشریفات خاصی شکل یافته و صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف و مسئولیت‌های

^۱ ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد: «هر کس حق دارد در هر جا که باشد، به عنوان یک شخص [شخص قانونی] در برابر قانون به رسمیت شناخته شود.» (موحد، ۱۴۰۱: ۱۲۶)

^۲ ماده ۵۸۳ ق.ت.ت.: «کلیه شرکتهای تجارتهای مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند [...]»

مستقل را دارد.» (پاسبان، ۱۳۹۸: ۱۳) در این تعریف بین مفهوم شخص حقوقی (به معنای خاص: مانند شرکت‌ها) و شخصیت حقوقی (Legal Personhood) خلط شده است. اما در نقطه مقابل، در تعریفی که پیش‌تر بدان اشاره شد (صفار، ۱۳۹۵: ۹۹)، به تفکیک شخصیت به‌عنوان یک وصف، و شخص به‌عنوان مصداق واجد آن وصف به دقت اشاره شده است.^۱ در جمع‌بندی می‌توان گفت شخصیت حقوقی وصفی است از شایستگی یک شخص برای دارا شدن حق و تکلیف.^۲ به این معنا دو دسته ماهیات می‌توانند واجد شخصیت حقوقی باشند و شخص قانونی تلقی شوند: اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی (به معنای خاص) غیرانسانی.

ماهیت شخصیت حقوقی

در تاریخ اندیشه بحث اعطای شخصیت حقوقی به ماهیات غیرانسانی، مجال گسترده‌ای برای بحث پیرامون فردگرایان و جمع‌گرایان فراهم کرده و البته عالم تفکر حقوقی نیز از این حکم مستثنی نیست (موحد، ۱۴۰۰: ۲۲۶-۲۳۰؛ کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۳۶-۵۳). تاریخ اندیشه برای قرن‌های متمادی بعد از رنسانس و تشکیل دولت-ملت‌ها، به دنبال فهم این مهم بوده که آیا در جمع‌بندی، اصالت با فرد انسانی است یا با جامعه‌ای که فرد فقط (و نهایتاً) «عضو» آن است؟ (ذوالقدر، ۱۴۰۲: ۸۳)

^۱ برای مشاهده نمونه دیگر که به این تفکیک اشاره داشته، مراجعه کنید به: انصاری، و طاهری، (۱۳۸۸). صص ۱۱۲۵-۱۱۲۶. همچنین نگاه کنید به:

عیسای تفرشی، (۱۴۰۰ الف)، ص ۹۹ که به صراحت به این خلط مفهومی اشاره و آن را نقد کرده‌اند. همچنین نگاه کنید به عیسای تفرشی، محمد، (۱۴۰۰ ب). جلد دوم، ص ۱۰ که اینجا نیز به همین نکته اشاره دارند.

^۲ صفایی: «شخصیت از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی شخص، برای اینکه طرف و صاحب حق و تکلیف شود.» (صفایی، ۱۳۹۴: ۹)

همچنین نگاه کنید به تعریف شخصیت حقوقی در: محقق داماد، و مهریار (۱۳۹۹). صص ۴۲۳-۴۴۱؛ ساکت، محمد حسین، (۱۳۸۷). ص ۸۵.

همچنین برخی امکان اعطای شخصیت حقوقی به نمایندگان الکترونیک را در حقوق اسلام بررسی کرده و بیان می‌دارند که از شخصیت حقوقی در حقوق اسلام با عنوان dhimmah (ذمه) یاد شده و تعریف آن را همانگونه که ما آوردیم، مطرح می‌کنند (Almajid, 2010: 404).

اتفاقاً بحث از شخصیت داشتن، نقش محوری در این نزاع داشته است. دولت برای سالیان دراز موضوع بحث علمای دو سوی این طیف بوده تا اینکه پاسخ سؤالاتی عدیده معلوم گردد و دانسته شود که آیا وجود دولت اعتباری است یا واقعی؟ شخصیت داشتن برای دولت لازم است یا نه؟ آیا دولت می‌تواند مخاطب قانون باشد یا خیر؟ و آیا دولت می‌تواند واقعاً مستقل از مدیران آن باشد؟ بعد از گذشت مدتی از رنسانس، با وقوع انقلاب صنعتی و جهش اقتصادی ناشی از آن، این بحث نه تنها رنگ نباخت؛ بلکه با شمایی نو مجدداً مطرح گشت. این بار با به وجود آمدن شرکت‌ها و مؤسسات تجاری و در ادامه با فاصله کوتاه، سازمان‌های بین‌المللی، سؤالی کهنه با صورت‌بندی نو فراروی عالمان قرار گرفت که آیا این ماهیات جدیدی که در جوامع براساس نیازهای اساسی به وجود آمده و ادامه حیات‌شان گریزناپذیر است، مستقل از مدیران و مؤسسان‌شان هستند؟ آیا می‌توان برای این ماهیات نوپدید، دارایی و تابعیتی دیگر در نظر گرفت؟ آیا می‌توان قبول کرد در شرکتی که از تجمیع حقوق متعاقدین شرکتنامه به وجود آمده است، بعد از فوت یا حجر احد از شرکا، اذن مدیران مأذون در اداره اموال، همچنان بدون خلل و پای‌برجای باقی بماند؟^۱

در این راستا بود که بحث از «شخصیت حقوقی» به معنای مصطلح و مورد نظر این پژوهش، مطرح شد و نیز نظریاتی از جانب عالمان حقوق درباره منشأ این شخصیت و حدود و ثغور آن، عرضه گردید تا در مقام پاسخ‌گویی به این سؤالات برآیند. محققان تلاش کردند تا با در نظر گرفتن ماهیت شخصیت حقوقی، از دریچه همان مباحث پیشین یعنی مقوله اصالت فرد و اصالت جمع به این مسئله بپردازند.

نتیجه این تلاش‌ها در قالب نظریاتی مطرح گردید که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.^۲ سپس به سبب اینکه هدف این پژوهش امکان‌سنجی اعطای شخصیت

^۱. از این مسئله در بحث از شخصیت حقوقی در شرکت مدنی یاد می‌شود برای مطالعه در این باره مراجعه

کنید به: صفایی و جواهر کلام، ۱۴۰۱: ۶۸-۷۰

^۲. برخی پژوهشگران تعداد این نظریات را تا ۷ نظریه برشماری کرده‌اند. (نخعی پور و سعیدی، ۱۳۹۸)

حقوقی به هوش مصنوعی است، با استفاده از تحلیل نظراتی که در ادامه خواهند آمد، مبنای مورد قبول نظام حقوقی ایران برای ماهیت شخصیت حقوقی را معرفی کرده و پس از تشریح، بر مختصات هوش مصنوعی عرضه و در نهایت به تحلیل شخصیت حقوقی هوش مصنوعی و امکان یا عدم امکان آن پرداخته خواهد شد.

بیان نظریات راجع به ماهیت شخصیت حقوقی و تحلیل آن‌ها^۱

این نظریات شامل نظریه نفی شخصیت، نظریه وجود فرضی، نظریه وجود واقعی و نظریه واقعیت اعتباری می‌شوند (Allgrove, 2004: 54-64; C̣erka et al., 2017).^۲

نظریه نفی شخصیت حقوقی

برخی از نویسندگان بیان داشته‌اند که شخص حقوقی واقعاً وجود ندارد و هر چه هست در روابط فی‌مابین افراد دخیل در قرارداد است. این عده دو استدلال در اثبات مدعای خود اقامه کرده‌اند: اولاً گفته‌اند که آثار شخصیت حقوقی با ماهیات حقوقی دیگری مثل مالکیت جمعی قابل توجیه است. بدین معنا که اگر ۵ نفر در رابطه شراکت وارد می‌شوند، لازم نیست بگوییم که شخص ششمی هم ایجاد می‌شود. در استدلال دوم هم احتمال

اما چون «می‌توان نظریات ابراز شده را در سه دسته تقسیم نمود» (صفایی، سید حسین، ۱۳۹۴، ۱۶۵-۱۷۰)، در اینجا از تقسیم‌بندی صفایی استفاده شده و برای رسیدن به مطلوب (اخذ معیار متخذ در حقوق ایران نسبت به اعطای شخصیت حقوقی به ماهیات غیرانسانی) به شرح این نظریات پرداخته خواهد شد. ^۱ برای مشاهده کاربست و اهمیت روش شناختی این تقسیم‌بندی در خدمت به امکان‌سنجی اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی، مراجعه کنید به:

C̣erka, and others, (2017). "Is it possible to grant legal personality to artificial intelligence software systems?", Computer law and security review. London: Elsevier Ltd, 2017, Vol. 33, iss. 5,

همچنین مشاهده کنید:

Allgrove, (2004). Pp.54-64

^۲ نکته در این گفتار آن است که این بحث ناظر بر شخصیت حقوقی ماهیات غیرانسانی است؛ پس در نتیجه اگر سخن از شخصیت حقوقی می‌رود، مراد از آن، شخصیت حقوقی شخص حقوقی است.

داده‌اند که روابط قراردادی داخلی شرکا می‌تواند جایگزین این مفهوم (شخصیت حقوقی) شود. (صفایی، ۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۶۸؛ صقری، ۱۴۰۱: ۱۱۲-۱۱۴)

استدلال اول به وضوح نادرست است. زیرا شرکای شریک در مال مشاع می‌توانند تقاضای تقسیم کنند و تصرف در مال مشاع بدون اذن دیگر شرکا، ناروا محسوب می‌شود. از طرفی دیگر دیون شرکت در شرکت بدون شخصیت حقوقی، دین شخصی شرکا محسوب می‌شود و این، همان دانستن دو مفهوم ذکرشده، خطاست. در ارتباط با تحلیل دوم هم می‌توان از قائلان آن پرسید، اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی حاصل کدام قرارداد میان افراد جامعه هستند؟ ممکن است پاسخ داده شود که قانون اساسی به عنوان میثاق جمعی جانشین این قرارداد است ولیکن این مطلب به روشنی از مدعای این گروه دور است. این قول به قرینه قرارداد فی‌مابین، ناظر بر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی صادرشده و توجیه‌گر اشخاص حقوقی عمومی نیست چه اینکه می‌دانیم اگر قول به شخصیت حقوقی پذیرفته نشود، تمام (تک‌تک) اعضای قراردادی باید دخیل در عقد باشند که این امر درباره قانون اساسی و امثال آن، منتفی است. در مجموع به نظر می‌رسد علاوه بر مخالفت این نظریه با موازین قانونی و نیز عدم هماهنگی با نیازهای اجتماعی در عمل، از پایه و مایه نظری چندان قوی هم برخوردار نیست.

نظریه وجود واقعی

برخی از نویسندگان با توجه به اهمیت شخص حقوقی در اجتماع، آن را یک واقعیت اجتماعی فرض کرده‌اند و فائلد که این واقعی بودن بدان معناست که گاه حتی وجود آن برای وجود دولت هم ضروری است. با این تفصیل که شخص حقوقی به عنوان یک واقعیت موجود، در عالم حضور دارد و دولت‌ها را چاره‌ای جز این نیست که آن را به رسمیت بشناسند. به عبارت دیگر این واقعیت حقیقتاً موجود، خود را به دولت و مقنن تحمیل می‌کند (صفایی، ۱۳۹۴: ۱۶۶-۱۶۷؛ نخعی‌پور و سعیدی، ۱۳۹۸: صقری، ۱۴۰۱: ۱۱۱)

برخی از قائلان این نظریه، آن را یک واقعیت فنی می‌شمارند و بیان داشته‌اند که شخص حقوقی متعلق به جهان محسوسات نیست و متعلق به تکنیک حقوقی است؛ پس هرگاه اراده جمعی اقتضا کند، شخص حقوقی به وجود می‌آید، حتی اگر مقنن درباره آن سکوت

کند. نتیجه این قول هم طبعاً می‌تواند آن باشد که اگر کلیسا یا معابد شخصیت حقوقی دارند، به خاطر آن است که بنا به نیاز افراد، این شخصیت سابقاً تشکیل شده بوده و اراده قانون‌گذار نقشی در این روند نداشته است (همان). برخی دیگر همین نظر را چنین صورت‌بندی نموده‌اند که شخص حقوقی (به عنوان ماهیت واجد شخصیت حقوقی) یک واقعیت است و به عنوان یک حقیقت زنده اجتماعی، قبل از حقوق هم بوده است و حقوق چاره‌ای جز شناسایی آن ندارد. در جمع‌بندی، طرفداران نظریه وجود واقعی، بر آنند که گرچه منظور از واقعی بودن شخص حقوقی، طبیعی (برون‌ذاتی) بودن نیست، اما حاکی از یک واقعیت انکارناپذیر در عالم خارج است که حتی از اراده قانون‌گذار هم فراتر می‌نشیند و اراده او را معطوف و مجبور به رسمیت‌شناختن این حقیقت می‌کند.^۱

نظریه وجود فرضی

نظریه وجود فرضی، از افکار کلاسیک فردگرایان ناشی شده که برای مدت طولانی به عنوان ایده اصلی مطرح بوده است. قائلین این تئوری گفته‌اند که جوامع از اعضای آن جامعه جدا نیستند و ماهیتی مستقل را تشکیل نمی‌دهند (صفایی، ۱۳۹۴: ۱۶۶-۱۶۷؛ نخعی پور و سعیدی، ۱۳۹۸)؛ زیرا «واقعیت‌طلبی فردگرایی، انسان را همواره واقعی‌تر از جامعه بشری و نهادها و ساختارهای آن می‌داند.» (طباطبایی حصارى و صفی‌زاده، ۱۴۰۰: ۵)

این ایده بیان می‌کند که فقط اشخاص حقیقی می‌توانند طرف یک قرارداد باشند، در نتیجه اگر بنا باشد یک شخص حقوقی داخل در یک رابطه حقوقی باشد، این مسئله بایستی مستقیماً توسط مقنن تعیین گردد. زیرا در اشخاص حقیقی، شخصیت ذاتی و گوهر انسانی آن‌ها باعث گشته است تا برای ایشان قائل به دارابودن حق و تکلیف باشیم؛ اما در مورد موارد دیگر، به جز از طریق تعیین قانون‌گذار نمی‌توان چنین حکم نمود. به عبارت دیگر رویکرد فردگرایان، در این مورد، پذیرش به عنوان یک «بد ضروری» و به عنوان استثناء است (همان: ۷). در نهایت این گروه معتقدند که اولاً قانون‌گذار در اصل این شخص را به عنوان فرض در نظر می‌گیرد و در ادامه، تا حدی که صلاح بداند، شخص

۱. در این باره نگاه کنید به رای شعبه مدنی دیوان کشور فرانسه در سال ۱۹۵۴: برای مشاهده متن این رای، رجوع کنید به: (صقری، ۱۴۰۱: ۱۱۱-۱۱۲)

حقوقی را طرف حق و تکلیف قرار می‌دهد. پس در نتیجه بر اساس این نظریه، اصل در اشخاص حقوقی، عدم اهلیت است و (اصل و حدود) اهلیت شخص حقوقی بایستی توسط قانون‌گذار تعیین شود.

نظریه اعتباری و قراردادی

برخی از محققان معتقدند پذیرش شخص حقوقی بر اساس قرارداد و اعتبار عقلا صورت می‌پذیرد. این قول علاوه بر اینکه معتقدانی دارد، مصون از نقد منتقدان باقی نمانده است. این نظریه دایر بر این نکته است که شخص حقوقی نفساً محصول اعتبار و فکر عقلاست. تبعاً این نظریه قائل است که شخصیت حقوقی یک واقعیت سابقاً (و واقعاً) موجود نبوده که مقنن ناچار به پذیرش آن باشد و همچنین، نمی‌توان از شخصیت حقوقی الزاماً به عنوان چیزی یاد کرد که بنا به اراده مقنن تشکیل شده باشد و افراد در آن نقشی نداشته باشند، ایضاً حدود و ثغور آن هم -الزاماً- فقط توسط دولت تعیین نمی‌شود (نخعی پور و سعیدی، ۱۳۹۸؛ صفایی، ۱۳۹۴: ۱۷۰؛ عیسیایی تفرشی، ۱۴۰۰: ۶۴).

نسبت به این نظریه، دو خوانش وجود دارد:

یکم- اینکه این شخص حقوقی بر مبنای یک قرارداد و بر پایه اعتباری که متعاقدین یک قرارداد با هم داشته‌اند -به عنوان محصول قرارداد و اعتبار طرفین آن- به وجود آمده است؛ دوم- اینکه این شخص حقوقی بر اساس یک قرارداد اجتماعی و یک اعتبار عقلایی به وجود آمده است و منظور از اعتباری و قراردادی بودن، اعتبار و قرارداد در یک رابطه مشخص قراردادی نیست.

برخی نویسندگان خوانش دوم را بر اول ترجیح داده‌اند و بیان داشته‌اند مراد از اعتبار به هیچ روی مورد اول نیست. به نظر می‌رسد باید بین شخص حقوقی در مقام پذیرش (و رسمیت‌بخشی) و شخص حقوقی در مقام تشکیل (طبعاً بعد از پذیرش)، تفاوت گذارد (همان). در مقام پذیرش یک ماهیت غیرانسانی به عنوان شخص حقوقی، می‌توان قائل بود که در مثال‌هایی مانند شرکت تجاری و دولت و ...، عقلای جامعه «شخصیت داشتن» این موارد را پذیرفته‌اند و در قالب یک قرارداد اجتماعی بر آن صحنه گذارده‌اند که در تأیید بعدی مقنن متجلی شده است. اما در مقام تشکیل شخص حقوقی، بحث متفاوت است و

شخص حقوقی در قالب یک قرارداد فی‌مابین چند طرف قراردادی تشکیل می‌شود (جعفری لنگردی، ۱۳۹۸: ص ۱۰۵، ش ۱۳۹) و در ادامه بر اساس اعتبار عقلایی جمعی، عمل آن‌ها ناظر بر «اعتبار»، به توسط اعتبار عقلایی، امضا می‌شود.

نظریه مورد پذیرش در حقوق ایران درباره ماهیت شخصیت حقوقی

پس از بحث درباره نظریات مختلف، اکنون در مسیر رسیدن به پاسخ به پرسش‌های تحقیق، لازم است تا نظریه پذیرفته شده در حقوق ایران در مورد ماهیت شخصیت حقوقی را بررسی کنیم. ضمناً باید تذکر داده شود که این نظریات حول ماهیت شخصیت حقوقی می‌گردند و مستقیماً بر کیفیت و ماهیت اعطای شخصیت حقوقی نظر ندارند.

بدواً باید گفت که نظر نویسندگان مختلف درباره نظریه محوری حقوق ایران درباره ماهیت شخص حقوقی، متفاوت است. برخی‌ها می‌گویند نظریه‌ی محوری در حقوق ایران، در ارتباط با ماهیت وجودی شخصیت حقوقی، نظریه اعتباری بودن شخصیت حقوقی است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۴۶؛ نخعی پور و سعیدی، ۱۳۹۸؛ عیسانی تفرشی، ۱۴۰۰: ۹۰ و ۹۸). برخی دیگر بر این عقیده هستند که نظریه مقبول در این مورد، همانا واقعی بودن آن است (صفایی، ۱۳۹۴: ۱۶۸-۱۷۰؛ ساکت، ۱۳۸۶: ۱۷۵-۱۷۷؛ صفار، ۱۳۹۵: ۱۴۵). برخی را نیز نظر بر آن است که در حقوق ایران، تئوری فرضی بودن پذیرفته شده است (صقری، ۱۴۰۱: ۱۱۲؛ اسکینی، ۱۳۹۸: ۴۱-۸۴).

اما نکته اساسی که این تئوری‌ها را به بحث ما پیوند می‌دهد آن است که تمامی این نظریات معتقدند «شخصیت حقوقی» مفهومی اعتباری و از جنس امور اعتباری است (همان). گرچه ممکن است هر صاحب نظر پیرو نظریه واقعی یا فرضی بودن شخصیت حقوقی باشند، ولی در اعتباری بودن آن تردیدی ندارند و این (اعتباری بودن به معنای دوم، یعنی پذیرش عقلاً) را با واقعی بودن شخصیت حقوقی جمع می‌بندند. اما در مورد نظریه مورد قبول، به نظر می‌رسد بر مبنای معیار مورد پذیرش در حقوق ایران، ماهیت شخص حقوقی هم اعتباری باشد. برای این ادعا چند دلیل اقامه خواهد شد که از نتیجه این بحث، در مقوله «اعطا» استفاده شود.

یکم- تئوری‌های مطرح‌شده، در دیالوگ با موجودی به نام دولت و در فحص از ماهیت آن ارائه شده و جنبه سیاسی (به معنای اخص) آن‌ها بارزتر از جنبه حقوقی ایشان است (همان، ص ۱۳۹؛ صفایی، ۱۳۹۴: ۱۷۰). پس طبیعی است نتوانند پاسخگوی سؤالات حقوقی (به معنای اخص) باشند.

به چه معنا شخص حقوقی موجودی «واقعاً موجود» بوده است؟ حقوق عالم اعتبارات است و بر زمان خلق یک ماهیت حقوقی آثاری مترتب است. آن مقطعی که پیروان نظریه واقعی بودن مدعی هستند که در آن مقطع شخص حقوقی در حقیقت وجود دارد و مقنن ناچار آن را تأیید می‌کند، این موجود واقعاً موجود (!) از چه رهگذری «موجود» شده است؟ بی‌درنگ پاسخ «اعتبار» است. چون در حقوق، خاصه حقوق خصوصی که بحث شخصیت حقوقی در این گروه بحث می‌شود، هر «اثر حقوقی» ناشی از یک «اعتبار» است. آن اعتبار هم ناشی از یک عمل یا واقعه حقوقی. در بازگشت به سؤال اصلی باید پرسید، ماهیت واقعاً موجود، اثر کدام عمل حقوقی است؟

اینجاست که توجه به سیاسی بودن نظریات، ما را راهنمایی می‌کند. این نظریات از آن رو که متفطن دولت بوده‌اند، توجه به تحلیل حقوقی نداشته‌اند. شرکت تجاری، واقعاً در اثر مجموعه‌ای از اعمال تشکیل می‌شود برای مثال قانون‌گذار در ماده ۱۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بیان می‌دارد شرکت سهامی با قبول سمت کتبی مدیران و بازرسان تشکیل می‌شود. این همان مرحله‌ای است که تئوری‌های مزبور، از شخص حقوقی در آن مرحله به عنوان «ماهیت واقعاً موجود» یاد می‌کنند. بنابر این به نظر می‌رسد شخص حقوقی و شخصیت حقوقی آن، در واقع، اثر یک «اعتبار» اند و ماهیتی اعتباری دارند و پس از تشکیل بنابر نیاز موجود در اجتماع و خواست نهادهای فعال در جوامع، قانون‌گذار با احترام به اراده آزاد اشخاص، آن موجود اعتبارشده را به رسمیت می‌شناسد و امکان طرف حق و تکلیف واقع شدن (شخصیت حقوقی) او را به فعلیت می‌رساند (عیسایی تفرشی، ۱۴۰۰: ۶۸-۶۹).

دوم- ممکن است اشکال شود که شخص حقوقی که نمود بیرونی مثل شرکت و دولت و... دارد، چگونه ممکن است که اعتباری باشد. پاسخ آن است که مگر ارزش پول که حاصل

اعتبار عقلاست، همراه با اسکناس بی مقدار کاغذی معرفی نمی‌شود؟ شرکت هم نمود بیرونی و معرف آن ماهیت اعتباری است.

نظریه «اعتباریات» و مسئله اعطای شخصیت حقوقی

این نظریه -همان طور که مقدمات آن در بحث‌های پیشین گذشت- بیان می‌دارد که اراده آزاد و سالم افراد توان خلق ماهیاتی را دارد که نه واقعیت فیزیکی دارند و نه از امور مادی منتزع شده‌اند؛ بلکه به معنای حقیقت‌بخشی به اموری است که واقعیت و عینیت ندارند و نیز از امور واقعی منتزع نمی‌شوند. این دسته از امور صرفاً در چهارچوب روابط انسانی معنا دارند و بدون در نظر گرفتن روابط میان انسان‌ها، معنا ندارند (شهیدی، ۱۳۹۶: ۳۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۴۳-۴۸). برای مثال اگر کودکی یک کاغذ را رنگ‌آمیزی کند، ارزش اقتصادی چندانی ندارد، اما اگر بانک مرکزی یک کشور آن را طراحی و چاپ کند، ارزش اقتصادی‌ای برای آن ایجاد می‌شود که می‌توان به آن اعتنا کرد. حال اگر همین کاغذ با همین طرح و نقش توسط جایی غیر از بانک مرکزی یک کشور چاپ گردد، ارزشی نخواهد داشت و بنا بر تعریف مال^۱، کسی در برابر آن مالی نمی‌پردازد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۱۳).

بنابراین شخصیت حقوقی مفهومی اعتباری است و از آن رو که اعتباری است و هر اعتبار نیازمند اعتبارکننده و نهادی جهت به رسمیت شناختن این اعتبار است، بررسی هر کدام از عناصر یادشده، لازم است.

نظریه اعتبار و نقش شخص اعتبارکننده (معتبر)

گفته شد که شخصیت حقوقی ماهیتی اعتباری دارد. ضمناً بیان شد که مسیر تشکیل شخصیت حقوقی هم مسیری است که با گذر از اعمال حقوقی به خلق ماهیت اعتباری منتج می‌شود و این شخص یا اشخاص هستند که طی مقدمات حقوقی، ماهیت اعتباری (شخصیت حقوقی) را به وجود می‌آورند (عیسایی تفرشی، ۱۴۰۰: ۶۶).

۱. المال ما یبذل به المال

نکته‌ای که در رابطه این تئوری و بحث حاضر باید متذکر شد، آن است که نه می‌توان قائل بود که تشکیل این ماهیت اعتباری (تشکیل شخصیت) به صورت مطلق در ید طرفین قراردادی است و نه می‌توان گفت که خالق موجود اعتباری قانون‌گذاران هستند؛ بلکه «خالق موجود اعتباری منحصر به قانون‌گذاران نیست. [اساساً] حصر آفریدن موجود اعتباری به مرجع خاص (رسمی یا غیر رسمی)، تلاش بی‌ثمر است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۱۶-۱۷) اما در هر صورت نهایتاً این قانون‌گذار است که در راستای مصالح اجتماعی و نیازهای اقتصادی و با احراز عدم مغایرت آن با موازین اصلی، این اراده آزاد اشخاص و اعتبار حاصل از آن را محترم می‌دارد و به آن اثر می‌بخشد؛ پس حداقل دو نتیجه از این نکته مستفاد می‌شود:

اولاً به نظر می‌رسد نمی‌توان گفت اعتبار (مصدری) به دست قانون‌گذار است (قانون‌گذار معتبر است)؛ زیرا اعتبار نتیجه عمل حقوقی‌ای بوده که توسط اشخاص طرفین قرارداد واقع شده است.^۱ به عبارت دیگر اعتبار منتسب به شخص است نه دولت؛ اما بایستی توجه داشت که ایجاد‌کننده و معتبر بایستی قدرت به انجام این کار نیز داشته باشد (عیسایی تفرشی، ۱۴۰۰: ۶۸) و آن کس که این قدرت را به وی می‌دهد، همانا قانون‌گذار است که در ادامه از جنبه‌های مختلف نقش آن صحبت به میان خواهد آمد.

ثانیاً الزاماً نمی‌توان گفت که قانون‌گذار نمی‌تواند معتبر باشد؛ زیرا ممکن است قانون‌گذار هم به عنوان یک شخص، دست به عملی بزند که در نتیجه آن، موجود جدیدی به عالم اعتباریات افزوده شود.

گفته شد که شخص حقوقی به عنوان شخص اعتباری با اعتبار اشخاص ایجاد می‌شود و در ادامه با تأیید قانون‌گذار شخصیت حقوقی می‌یابد. سؤالی که در این باره از ترکیب بحث قبلی و این مسئله، مطرح می‌شود این است که اینکه قانون‌گذار در ماده ۵۸۷ قانون

۱. عیسایی تفرشی در کتاب مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری (جلد یکم)، خلاف مدعای راقم این سطور را به قطع گرفته‌اند؛ لذا برای مشاهده نظر ایشان، ر.ک به: (عیسایی تفرشی، ۱۴۰۰: ۹۰)

تجارت^۱ بیان می‌دارد که لحظه تشکیل شرکت دولتی، همان لحظه آغاز شخصیت حقوقی است، چه نسبتی با گزاره بالا دارد؟ در پاسخ باید گفت در اینجا با مصداقی رو به رو هستیم که معتبر شخصیت حقوقی و تأییدکننده آن در یک شخص جمع شده است. یعنی همان شخصی که شخص حقوقی را اعتبار می‌کند، همان کسی است که برای استقرار کامل، آن را تأیید می‌کند.

در نتیجه در بحث شخصیت حقوقی باید توجه داشت که نمی‌توان شخصیت حقوقی را - به عنوان یک موجود اعتباری- در اشخاص قانونی سابق یا دولت منحصر کرد. زیرا هر کدام از این دو بر ساخته، قانوناً ممکن است اعتبار (مصدری) کرده و بتوانند موجودی جدید را به موجودات عالم اعتبار بیفزایند.

نظریه اعتبار و نقش دولت

دولت‌ها از ابتدای حیات جمعی انسان، با هدف کنترل جوامع بشری حضور داشته‌اند، با این حال در اواسط قرن ۱۹ میلادی، در چهارچوب نظریه «انقلاب حق^۲»، مفهوم جدیدی از دولت ایجاد شد که بر مبنای آن، برخلاف سابق که دولت‌ها ذی‌حق و اتباع کشور، صاحب تکلیف بودند، شهروندان صاحب حق و دولت، در برابر مردم دارای تکلیف گشت. در حوزه بحث حاضر یعنی ثبت شرکت‌ها، تا پیش از انقلاب حق، مجوز تأسیس شرکت‌ها به طور انحصاری و به مثابه امتیازی ویژه، صرفاً در دست دولت‌ها بود؛ ولی با گذشت سالیان، نیاز اجتماعی و تحول اقتصادی سبب امکان‌پذیر شدن تشکیل شرکت‌های تجاری بر مبنای اصل آزادی تأسیس شرکت [به عنوان یکی از شقوق آزادی اراده] شد. در همین خصوص دولت‌ها برای سازمان‌دهی به تعاملات شرکت‌ها با جامعه، اقدام به ایجاد یک نظام ثبتی نمودند (طباطبایی حصاری و صفی زاده، ۱۴۰۰: ۳-۴).

باید تأکید داشت که هیچ‌کدام از اشخاص، در خلق ماهیت اعتباری (در اینجا شخص حقوقی) مطلق‌العنان نیستند. در نتیجه شخصی نمی‌تواند ماهیت جدیدی را اعتبار کند؛

^۱ ماده ۵۸۷ قانون تجارت: «مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.»

^۲ The Rights Revolution

بدون اینکه (حداقل) عدم مغایرت آن با موازین اساسی تعیین شده و نیز تطبیق آن با چهارچوب‌های قانونی نیز تضمین شده باشد.

این مسئله در حقوق ما مصادیقی هم دارد. فی‌المثل، در قانون مدنی در ماده ۶۵، وقف به ضرر دیان، غیرنافذ اعلام شده است. علاوه بر آن، هر قرارداد دیگری هم که موجب خلق یک ماهیت اعتباری شود، بایستی با رعایت موازین ماده ۱۹۰ قانون مدنی و دیگر شرایط اساسی که در مواد مختلف ذکر شده، صورت پذیرد. حتی در ایجاد یک شرکت تجاری، شخصیت حقوقی، که حاصل اعتبار ناشی از یک قرارداد بین شرکاست، بایستی با رعایت ماده ۱۹۰ قانون مدنی و سایر موازین قانونی لازم برای ایجاد شرکت صورت بپذیرد (کاویانی، ۱۳۹۸: ۴۹-۶۰). بنابراین باید به نقش دولت در نظریه اعتبار، در دو سطح پرداخت: اول دولت را به عنوان شخص معتبر در کنار سایر اشخاص به عنوان معتبر بررسی نمود و سپس دولت به عنوان تأییدکننده و رسمیت‌بخش بررسی خواهد شد.

دولت به عنوان شخص معتبر

یکی از نقش‌هایی که دولت (به معنای عام، شامل مقنن) می‌تواند در زمینه اعتبار شخصیت حقوقی داشته باشد، این است که دولت به عنوان یک شخص حقوقی که اراده آزاد (معاملی) آن توسط عقلاً اعتبار شده و مورد پذیرش است، ایجاد یک شخص حقوقی را اعتبار کند و به عالم اعتباریات بیفزاید. طبق قانون چند طریق برای تعیین یک شخص حقوقی به عنوان شخص حقوقی دولتی وجود دارد که با بررسی آن‌ها به نقش دولت به عنوان معتبر در این اشخاص حقوقی خواهیم پرداخت:

یکم- «دولتی شدن» از طریق سرمایه‌گذاری و خرید سهام

بر اساس صدر ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، «هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی منفرداً یا مشترکاً ایجاد شده مادام که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به واحدهای سازمانی فوق‌الذکر باشد شرکت دولتی است.» شرکت‌های موضوع این ماده چون ممکن است پیش از خرید سهام توسط دولت، واجد شخصیت حقوقی باشند، از موضوع بحث ما خارج هستند و نقش دولت در آن‌ها عنوان «معتبر» اعتبار شخصیت حقوقی نمی‌یابد.

دوم- «دولتی شدن» از طریق حکم دادگاه

بر اساس تبصره ۲ ماده ۴ قانون پیش گفته، «شرکت‌هایی که به حکم قانون یا دادگاه صالح، ملی و یا مصادره شده و شرکت دولتی شناخته شده یا می‌شوند، شرکت دولتی تلقی می‌گردند.» شرکت‌های موضوع این ماده نیز چون پیش از مصادره یا ملی اعلام شدن، واجد شخصیت حقوقی هستند، از موضوع بحث ما خارج بوده و نقش دولت در آن‌ها به عنوان معتبر بررسی نمی‌شود.

سوم- «دولتی بودن» از طریق تصویب اساسنامه توسط قوه مقننه

بر اساس ماده ۳ قانون ذکرشده، مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی، «واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.» اینجا به نیکی می‌توان نقش دولت به معنای عام (حاکمیت: شامل قوه مقننه) را در اعتبار شخصیت حقوقی دید. اساسنامه شخص حقوقی جدیدی توسط مجلس شورا، مصوب می‌گردد و به مثابه قانون باعث تشکیل یک شخصیت حقوقی می‌شود.^۱

دولت به عنوان تأییدکننده و شناسایی‌گر

نقش دیگری که دولت (به معنای عام، حاکمیت) می‌تواند درباره اعتبار (مصدری) شخص حقوقی داشته باشد، این است که شخص حقوقی اعتبار شده توسط اشخاص قانونی را با تأیید خود، مورد شناسایی قرار دهد (عیسایی تفرشی، ۱۴۰۰: ۶۴).

در عنوان این پژوهش از واژه «اعطا» استفاده شده و در ترجمه انگلیسی آن، از لغت Recognition بهره گرفته شده است. به نظر می‌رسد نقش دولت همان‌طور که در بحث اعتباری بودن شخص حقوقی و همچنین بحث نظریه اعتبار گفته شد، نقش تأییدکننده نهایی به عنوان شناسایی‌گر باشد. پس نباید چنین تلقی شود که ایجاد شخصیت حقوقی صرفاً منوط به حضور دولت است؛ بلکه باید چنین تعبیر نمود که رسمیت بخشی به

۱. برای نمونه نگاه کنید به: «قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران» و «قانون (اساسنامه) شرکت پست جمهوری اسلامی ایران» و ...

شخصیت حقوقی توسط دولت صورت می‌پذیرد (Morse, 1995: p.2). یعنی اراده‌های آزاد، ایجاد شخصیت حقوقی را داخل در چهارچوب‌های قانونی که به توسط دولت تعیین شده‌اند، اعتبار می‌کنند و دولت با عمل ثبت، شخصیت حقوقی را «تثبیت» می‌کند. طبق تعریف، شخصیت حقوقی امتیازی قانونی است که قانون‌گذار برای برخی ماهیات (اعم از انسانی و غیرانسانی) قائل شده تا بتوانند صاحب حق و تکلیف شوند. از طرفی بر طبق موازین، قانون‌گذار اراده آزاد افراد را محترم می‌دارد، بنابراین به نظر می‌رسد باید قائل بر این بود که در صورتی که نظامات قانونی رعایت شده و اراده آزاد افراد در بستر مشروعی ابراز شده باشد و نیز مغایرت و تضاد جدی با نظم عمومی و اخلاق حسنه در میان نباشد، دولت باید شخصیت حقوقی محصول اعتبار افراد جامعه را به رسمیت بشناسد. بنابراین در به رسمیت شناخته شدن شخصیت حقوقی، دولت (به معنای اعم) با تعیین چهارچوب‌های قانونی و عنصر بی‌بدیل ثبت، پررنگ‌ترین نقش را ایفا می‌کند ولی تنها فعال این عرصه نیست و فرایند «اعتبار» اقتضای وجود معتبر را نیز دارد. این معتبر حسب مورد می‌تواند اشخاص غیردولتی و نیز گاهی دولت (از طرفی که ذکر آن‌ها سابقاً گذشت) ایفای نقش نماید.

بنابراین - همان‌طور که توضیح داده شد- چون فعل اعتبارکردن از معتبر صادر می‌شود و حدود و ثغور شخصیت را هم معتبر تعیین می‌کند نه دولت (به معنای تأیید کننده). حتی آن چنان که پیروان نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی می‌گفتند، این تنها دولت نیست که حدود داراشدن حق و تکلیف شخصیت حقوقی را تعیین می‌کند. بلکه در موارد مشخصی (شرکت‌های تجاری) این اشخاص مؤسس هستند که حدود این دارا شدن حق و تکلیف را -ولو در حدود مقرر در قانون- تعیین می‌کنند. ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که به روشنی بیان می‌دارد این مؤسسان هستند که تعیین می‌کنند شخص حقوقی در شرف تشکیل چه ویژگی‌هایی دارد و فی‌المثل این شخص حقوقی از حیث مدت، سرمایه، اقامتگاه و... (که جملگی از آثار شخصیت حقوقی هستند) چه وضعی دارد.

برای تأیید این مسئله می‌توان اشاره داشت به ماده ۵۸۶، ۵۸۸^۲ و ۳۵۹۱ قانون تجارت که بیانگر خطوط کلی است که قانون‌گذار برای شخص حقوقی ترسیم کرده است. به جز این موارد بقیه جزئیات درباره کیفیات و حالات شخصیت حقوقی را باید از شخص یا اشخاص مؤسس آن (معتبر) انتظار داشت.

اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی

در ۱۹۸۱ کنجی اورادا^۴ کارگر شرکت موتورسازی کاوازاکی^۵، هنگامی که مشغول به کار با یک ربات صنعتی بود، علی‌رغم تلاش‌اش برای خاموش کردن ربات، به داخل دستگاه کشیده شد و در دم فوت کرد.^۶ این اتفاق هولناک و اتفاقات مشابه و نیز ترس نهادینه و غریزی انسان از تغییر و اضافه شدن موجود جدید در زیست‌بوم، بسیاری از افراد عامی را نگران و پژوهش‌گران را وادار به چاره‌جویی کرده است.

یک پرسش اساسی (که در بُن، مرتبط با شخصیت حقوقی است) آن است که آیا هوش مصنوعی در یک پهباد، در یک سلاح خودکار الکترونیکی، در یک معامله‌گر بازار سهام و... از نظر اخلاقی یا حقوقی مسئول زیان‌های ناشی از تصمیماتش خواهد بود؟

۱. ماده ۵۸۶ قانون تجارت: «مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی‌توان ثبت کرد.»

۲. ماده ۵۸۸ قانون تجارت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت - بنوت و امثال ذالک.»

۳. ماده ۵۹۱ قانون تجارت: «تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.»

⁴ Kenji Urada (1944-1981)

⁵ Kawasaki Heavy Industries

⁶ Whyment, Robert (2014). "From the archive, 9 December 1981: Robot kills factory worker", Available at:

<https://www.theguardian.com/theguardian/2014/dec/09/robot-kills-factory-worker>

مشاهده شده در یکم مرداد ماه ۱۴۰۲

برخی نظراتی را نقل کرده‌اند مبنی بر اینکه هوش مصنوعی باید یک فرشته باشد! بدین معنا که باید برنامه‌نویسان را مکلف نمود تا الگوریتم‌هایشان را به گونه‌ای بنویسند که هوش مصنوعی مخلوق ایشان، اصول بنیادین قانونی را زیر پا نگذارد^۱. فی‌المثل انسانی را به قتل نرساند، قراردادی را نقض نکند، مالکیت معنوی دیگری را احترام گذارد و... طبیعی است که قضایا به این آسانی حل نمی‌گردند و نیازمند بررسی عمیق هستند. برای مثال چگونه می‌توان به هوش مصنوعی دستور داد که قرارداد را به هیچ وجه نقض نکند، حال آنکه از یک سو، در بسیاری موارد نقض قرارداد، کارآمدتر از پای‌بندی به آن است^۲ و از سوی دیگر انتظار از هوش مصنوعی آن است که بیش‌ترین دقت را در بهینه بودن تصمیمات‌اش میدول دارد.

در پاسخ به این نیاز، البته رویکردهای عمیق‌تری نیز ارائه شده است. در واقع پاسخ‌گویی به این پرسش که در هنگام ورود آسیب جسمی یا مالی، ناشی از تصمیماتی که هوش مصنوعی اخذ می‌کند، چه کسی باید خواننده دعوی مسئولیت مدنی قرار گیرد، علاوه بر اینکه در حیطه مسئولیت مدنی است، بیش و پیش از آن، مستلزم بررسی امکان/عدم امکان دادخواهی به طرفیت هوش مصنوعی (امکان اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی) و به تبع آن فرض دارایی برای هوش مصنوعی است. لذا بررسی آن به عنوان بُعدی از امکان‌سنجی از اهمیت ویژه برخوردار است^۳. به همین جهت کاربست تئوری‌های بیان شده در اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی و نیز بحث از مسئولیت مدنی هوش مصنوعی در دو گفتار بررسی خواهد شد.

هوش مصنوعی و نقش مقنن در اعطای شخصیت حقوقی به او

مشاهده شد که نتیجه این بررسی آن است که [حداقل] موضع حقوق ایران درباره ماهیت شخصیت حقوقی - بنا بر ادله قابل توجه بخشی از صاحب‌نظران - «اعتباری» است و بیان شد که طریقه ایجاد یک ماهیت اعتباری، از رهگذر عمل حقوقی و «اعتبار» ناشی از آن

¹ Kurki, Visa AJ (2019). Op.Cit., p.180

² انصاری، مهدی (۱۳۹۰). صص ۳۹-۵۷

³ See: Pal Singh, and Nidhish Dev Lomash, (2021). P.1116 - 1122.

می‌گذرد. اکنون باید بررسی شود اعطای شخصیت حقوقی با ماهیتی که ذکر شد و از طریق عمل اعتبار ممکن است یا خیر؟^۱

بدواً بیان می‌شود که درباره شخصیت حقوقی هوش مصنوعی، برخی قائل به شخصیتی مشابه بردگان رومی هستند و بیان می‌دارند هوش مصنوعی از نظر اخلاقی نهایتاً در سطح برده خواهد بود که بتواند اقدامی را انجام دهد، بدون آنکه شایستگی داشته باشد کسی «در برابر» او مکلف به تکلیفی گردد (Bryson, 2010; Kurki, 2019: p.178).

این نظریه هم در مقررات سده‌های گذشته ایالات متحده و هم در حقوق روم باستان ریشه دارد. در حقوق روم نهادی به نام Peculium وجود داشته که در صورتی که این امتیاز قانونی به بردگان به توسط مالک ایشان اعطا می‌شده، برده می‌توانسته در محدوده اجاره ارباب، مالک شود (Pagallo, 2013: p.82; Gamauf, 2009). با وجود این نهاد، برده می‌توانسته مقداری از فضای «مال بودن» فاصله بگیرد و خود، مالک اموالی شود.

برخی قائلند که می‌توان این نوع شخصیت را برای هوش مصنوعی قائل شد (Kurki, 2019: p.185). بدین معنا که مالک، تعیین می‌کند این موجود واجد هوش مصنوعی، می‌تواند تا حد مشخصی مالک شود، در زمینه‌های مشخصی فعالیت کند و... اما سؤال اینجاست، که

۱. ممکن است ابتدا تصور شود بایستی تعریفی از هوش مصنوعی داده شود تا دانسته شود که منظور پژوهش حاضر از این اصطلاح کدام است و بررسی اعطای شخصیت حقوقی به کدامین ماهیت مد نظر این تحقیق است؟ البته این انتظار خالی از وجه نیست اما از آنجا که موضوع این پژوهش و سوال تحقیق حاضر ورودی به کیفیت تعریف ما از هوش مصنوعی ندارد به اجمال ذکری از آن به میان خواهد آمد:

از هوش مصنوعی تعاریف متعدد و متفاوتی ارائه شده است. اما قدر متیقن و آنچه منظور پژوهش حاضر است، همانا آن است که راسل و نورویک از آن ارائه داده‌اند و هوش مصنوعی را واجد یکی از ۴ مؤلفه ذیل دانسته‌اند: سامانه‌هایی که مانند انسان فکر می‌کنند؛ سامانه‌هایی که مانند انسان عمل می‌کنند؛ سامانه‌هایی که عقلانی عمل می‌کنند؛ سامانه‌هایی که عقلانی فکر می‌کنند (راسل و نورویک، ۱۴۰۰: ۲-۱۰). برای مشاهده مشروح این مطلب و تفصیل آن، همچنین مطالعه درباره چگونگی عملکرد و تقسیم‌بندی‌های هوش مصنوعی، مراجعه کنید به: (ذوالقدر، ۱۴۰۲: ۳۰-۴۰).

در تعریف هوش مصنوعی عامل دیگری نیز دخالت دارد که عبارتست از الگوریتم‌های هوش مصنوعی. برای مشاهده انواع این الگوریتم‌ها و تعاریف آن‌ها، مراجعه کنید به: (حبیبیا و قائم مقامی، ۱۴۰۱: ۹۰-۹۲)

اساساً چرا باید یک نهاد سنتی که از دایره استعمال خارج شده را به حیات بازگرداند و از یک نهاد و تحلیل زنده و نیز بومی بهره نجست؟

هدف شخصیت حقوقی اعطایی به هوش مصنوعی بر اساس نتیجه این نهاد رومی، بایستی توسط مالکش تعیین شود و در هنگام انحلال (با صلاح دید مالک) این نهاد، اموال برده به مالکش باز می‌گردد (Kurki, 2019: Pp. 185-186). حالا باید دید چه تفاوتی بین این نهاد سنتی رومی و نظریه اعتبار شخصیت وجود دارد؟

در مفروض نظریه «اعتبار» گفته می‌شود که مالک، اموالی را به «موضوع» تملیک می‌کند و ضمن اعتبار شخصیت برای آن موضوع، هدفش را تعیین و عنداللزوم برای شخصیت آن مهلتی و حدودی تعیین می‌نماید. مدلول نظریه اعتبار در انطباق با خصوصیات هوش مصنوعی این خواهد شد که مقام معتبر، در طی یک عمل حقوقی، ماهیت موجودی به نام هوش مصنوعی را در طی یک فرایند (عمل حقوقی)، به عنوان شخصیت حقوقی، اعتبار می‌کند. نقش دولت نیز در این فرایند آن است که اگر مخالفت و یا مغایرتی با قانون و نظم عمومی در این عمل حقوقی مشاهده نشد و نیز چنانچه انطباق آن با چهارچوب‌های شکلی موجود احراز شد، اراده آزاد اشخاص را از طریق به‌کارگیری نهاد ثبت، به رسمیت شناخته و شخصیت حقوقی موضوع اعطا را مورد شناسایی قرار می‌دهند. از نتیجه این «به‌رسمیت‌شناسی» است که آثار شخصیت حقوقی بر موضوع، بار می‌شود.

این تحلیل در حقوق ایران، دارای پیشینه است. چه اینکه حقوق ایران اساساً می‌پذیرد ماهیتی اعتباری به وسیله اشخاصی ایجاد شود و استقرار آن با اراده ثالث صورت پذیرد. مدلول «تعهد به نفع ثالث» بدون شک توسط طرفین قراردادی «ایجاد» می‌شود ولی با پذیرش ثالث، در دارایی او «مستقر» می‌گردد. از سوی دیگر جملگی ماهیات اعتباری در حقوق ایران به وسیله اراده انشایی طرفین / طرف عمل حقوقی «ایجاد» می‌شود اما با تایید قانون‌گذار است که آثار حقوقی بر آن مترتب می‌گردد؛ این تایید قانون‌گذار از مجرای احراز عدم مخالفت آن ماهیت اعتباری با خطوط کلی قانونی تعریف می‌شود (مثال: ماده ۱۹۰ قانون مدنی درباره عقود و تعهدات).

بر پایه این مشابهت و برای رفع ابهامات احتمالی، می‌توان گفت که مشابه آنچه در شرکت‌ها و مؤسسات انتفاعی وجود دارد، اگر در نتیجه فعالیت‌های هوش مصنوعی سودی به دست آید، به عنوان دارایی هوش مصنوعی خواهد بود و بر طبق قواعدی که مؤسسان آن در نظر گرفته‌اند و نیز خطوط کلی قانونی، از سود جمع‌آمده، نصاب‌های معینی، بین ایشان تقسیم خواهد شد.

موجودیت اشخاص حقوقی، فارغ از نمود عینی آن (سوله، دستگاه، دفتر و...) ماهیتی اعتباری است و الا درباره سایر دستگاه‌ها، سوله‌ها و دفترهایی که اشخاصی برای آن شخصیت حقوقی اعتبار نکرده‌اند، چنین دیدی وجود ندارد. در شرکت تجاری با این وصف که گفته شد، مالکیت شخص حقوقی معنایی نمی‌تواند داشته باشد جز اینکه در خدمت (اقتصادی) مالکان اش باشد و با مشارکت در فرایندهای سودآور (تولید، سرمایه‌گذاری و...) مالکان خود را منتفع نماید. ماهیت اعتباری شرکت آنجا معلوم می‌گردد که پس از انحلال و تقسیم دارایی‌های شرکت، تمام مایملک شرکت، داخل در دارایی شرکا (سابق) آن است و شرکت به سبب ماهیت اعتباری آن، سهمی از این سهام نخواهد داشت. درباره هوش مصنوعی نیز چنین تحلیلی کارگر است. هوش مصنوعی به عنوان یک مؤسسه (نهاد تأسیس شده) توسط مالکان (یا برنامه‌نویسان یا توسعه‌دهندگان) طراحی می‌گردد و پس از ثبت، می‌تواند در حدودی که مالکانش تعیین نموده‌اند، اقدام به معامله و فعالیت نماید، نهایتاً مالکان، از نتیجه این فعالیت‌ها منتفع می‌شوند.

اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی: مسئولیت مدنی

همان‌طور که گفته شد، یکی از مسائل تأثیرگذار بر بحث محوری این پژوهش، مسئله جبران خسارات اشخاص در تماس با این فناوری است. برای این منظور، عقلاً حداقل دو رویکرد فرض می‌شود که نتیجه تقابل این دو، مستقیماً بر موضوع بحث ما تأثیر می‌گذارد. رویکرد اول ناظر بر آن است که هوش مصنوعی را واجد شخصیت حقوقی بدانیم و شخصیت حقوقی هوش مصنوعی با دارایی خاص آن را ضامن پرداخت خسارات مزبور معرفی کنیم. رویکرد دوم آن است که از میان عناصر انسانی دخیل در راه‌اندازی هوش مصنوعی، به

دنبال مسئول برای جبران خسارات بگردیم. برای حل این چالش نظری ابتدا دو مقدمه لازم است:

یکم: ابتدا لازم است بین سامانه‌های خودمحور و غیر آن، تفاوت گذاریم. کنش‌های هوش مصنوعی ممکن است به نوع کدهای آن بازگردد که طبعاً خود هوش مصنوعی در کدهایی که آن را تشکیل داده و شیوه عملکردش را شکل می‌دهند، دخالتی ندارد. از سوی دیگر هر سامانه خودگردان و خودمحور (همانطور که پیش‌تر گفته شد)، بدون دخالت انسانی اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند. پس تعیین اینکه کدام تصمیم توسط خود هوش مصنوعی اخذ شده و کدامیک با دخالت محدودیت‌های پیشینی برنامه (کدها)ی هوش مصنوعی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نتیجه هر گونه بحث از مسئولیت انسان‌های دخیل در کارکرد هوش مصنوعی، یا شخصیت حقوقی آن، مستلزم آن است که بتوان در بُعد فنی تشخیص داد که کدام یک از تصمیمات (تصمیم‌سازی^۱) «منتسب» به هوش مصنوعی است و کدام یک خیر؟^۲

دوم: نسبت مساهمت هر یکی از اعضای دخیل در ایجاد و کاربست یک هوش مصنوعی باید با بازشناسی آن‌ها از یکدیگر، تعیین گردد. در این راستا، سه شخص باید از یکدیگر تفکیک گردند: «توسعه‌دهنده هوش مصنوعی^۳»، «سازنده هوش مصنوعی^۴» و در نهایت «کاربر هوش مصنوعی^۵». (البته ممکن است برخی از این اشخاص با یکدیگر انطباق داشته باشند).

- توسعه‌دهنده هوش مصنوعی یا همان کد نویس کسی است که طراحی عملکرد هوش مصنوعی به او منتسب است و اوست که بنا بر کدی که برای واجد هوش مصنوعی طراحی می‌کند، تعیین می‌کند که هوش مصنوعی بیاموزد یا نه، اگر بناست بیاموزد از چه

¹ Decision Making

² Fenwick, and Wrebka, (2022). "AI and Legal Personhood" in: The Cambridge Handbook of Artificial Intelligence: Global Perspectives on Law and Ethics. Cambridge University Press. P.289.

³ AI-developer

⁴ Manufacturer-producer

⁵ Operator-user

مجاری ای بیاموزد، در دانش ابتدایی خود تغییر (تکمیل) ایجاد کند یا نه و...
- تولیدکننده (سازنده) کسی است که الگوریتم طراحی شده توسط توسعه‌دهنده (برنامه‌نویس) را برای انطباق با ویژگی‌های یک محصول (که بناست واجد هوش مصنوعی باشد) مناسب‌سازی (یکپارچه سازی) می‌کند. مثلاً اگر بناست یک هواپیما مجهز به یک الگوریتم هوش مصنوعی گردد تا با کمک آن بتواند سیستم حریق هواپیما را کنترل نماید، شرکت تولیدکننده هواپیما باید الگوریتم طراحی شده را با شرایط هواپیما، هماهنگ سازد که برای مثال اطلاعات ورودی بناست در این مدل از هواپیما از طریق کدامین حس‌گرها دریافت شود و...

- کاربر هوش مصنوعی هموست که بعد از طراحی، و یکپارچه‌سازی هوش مصنوعی با کل مجموعه، با آن در تعامل قرار خواهد گرفت. فرض کنید یک ربات برای معاملات محصولات پتروشیمی در بازارهای جهانی طراحی شده است و یک شرکت ارائه‌کننده، آن الگوریتم را با اقتضائات مجموعه‌اش هماهنگ نموده و حال شرکت الف (فعال بازار محصولات پتروشیمی) آن را تهیه می‌کند و تعامل اصلی با سامانه را در اختیار دارد.^۱
نکته‌ای که پس از بیان این مطالب، باید ذکر شود این است که هوش مصنوعی در پارادایم فعلی، درصدد عبور از مجموعه کاربردار به مجموعه خودگردان کامل است. یعنی در آخرین ترقیات این فناوری، سعی بر آن است که مداخله انسانی به [نزدیک] صفر رسیده و خود هوش مصنوعی وظایف محوله را انجام دهد.^۲ در نهایت، در این باره باید به چند نکته توجه نمود:

یکم- عدم اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی و به تبع، نداشتن دارایی توسط هوش مصنوعی، باعث سخت‌تر شدن استیفای دیون ناشی از مسئولیت از جانب اشخاص ثالث زیان‌دیده می‌شود. در این راستا اموالی که ابتدائاً توسط مالکان و مؤسسان به شخصیت حقوقی هوش مصنوعی تملیک می‌گردد می‌تواند، به عنوان دارایی، به عنوان وثیقه دیون، دیون احتمالی شخصیت حقوقی هوش مصنوعی را پوشش دهد.

¹ Fenwick, and Wrebka, (2022). Op.Cit., Pp.289-290

² Ibid, P. 290

دوم- بنا به تردیدهای عالمانه‌ای که برخی به عنوان بیم از سپردن شخصیت حقوقی برای فرار از مسئولیت اشخاص دیگر در ورای حجاب شخصیت حقوقی هوش مصنوعی عنوان کرده‌اند^۱، به نظر می‌رسد در صورت پذیرش شخصیت حقوقی هوش مصنوعی به تفصیلی که گذشت، قضاات دادگاه‌ها نباید ذره‌ای در نادیده گرفتن شخصیت حقوقی هوش مصنوعی در فرض تقلب تردید کنند. شخصیت حقوقی برساخته‌ای برای انتفاع راحت‌تر و امن‌تر است؛ ولی برای اهداف غیرسواستفاده‌گرانه. اگر بنا باشد شخصیت حقوقی هوش مصنوعی به عنوان سپری عمل کند که اشخاص از مسئولیت فرار کنند، این با غرض اصلی اعطای شخصیت حقوقی (انتفاع اقتصادی) در تضاد است.

سوم- این دوره، از نظر زمانی به عنوان دوره جدا افتادگی^۲ تکنولوژیک شناخته می‌شود. یعنی در یک محصول هوش‌مند، اجزای سازنده به طور جداگانه رشد و ترقی می‌کنند. در محصولات فناورانه، اجزای سازنده در رشد فناوری، به یک دیگر وابسته نیستند و هرکدام راه رشد خود را طی می‌کنند.^۳ این مسئله به تکنولوژی این فرصت را داده تا اگر در یک زمینه به پیشرفت خاصی دست یافت، بدون انتظار برای ترقی سایر اجزا، همان پیشرفت را به عنوان یک محصول جدید (این بار با یک ترقی جزئی) عرضه کند. برای مثال در هوش مصنوعی ممکن است یک محصول بتواند در دوره‌های بعدی در آنالیز و تحلیل داده‌ها رشد کند ولی سرعت پردازش آن به همان میزان سابق بماند. در این صورت اگر خسارتی از این مجرا به دیگران وارد آید، و این خسارت متناسب به عدم رشد تکنولوژیک یک جزء یا عیب در ساختار برنامه‌نویسی یک جزء باشد، مسئولیت متوجه مسئول آن حوزه (ها) خواهد شد. حالا اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی، این امکان را فراهم می‌کند تا یک بار دیگر این مسئولیت‌های جدا افتاده، در یک جا جمع گردد.^۴ به این معنا که شخصیت

¹ Wagner, (2018). "Robot Liability" in: Forschungsinstitut für Recht und digitale Transformation, working paper no.2, 2019

² Unbundling

³ Fenwick, and Wrebka, (2022). Op.Cit. P.290

⁴ Ibid, p.303

حقوقی هوش مصنوعی خواهد توانست علیه مسئول و مقصر اصلی طرح دعوا کرده و از آن محل، خسارت پرداخت شده را وصول کند. لذاست که برخی محققین پیشنهاد می‌دهند حتی در شرایط فعلی نیز باید قانون‌گذار بایستی در خصوص هوش مصنوعی با درجات بالایی خودمحموری و استقلال از عامل انسانی، قائل به شخصیت حقوقی شده و برای آن مقرراتی را پیش بینی نماید^۱. ولیکن بر طبق مطالبی که در این نگاشته بیان شد، تا زمانی که دولت (به معنای اعم، شامل قوه قانون‌گذاری) در این خصوص اقدام به وضع مقرر ننماید، شخصیت حقوقی هوش مصنوعی و به تبع آن، داشتن دارایی و بار شدن مسئولیت بر عهده او، عملاً منتفی به نظر می‌رسد، ولو اینکه اعتقاد بر قابلیت داشتن شخصیت حقوقی توسط هوش مصنوعی (امکان فلسفی) داشته باشیم^۲. اساساً هدف از طرح این پژوهش نیز این بود که بررسی شود، در صورتی که به امکان فلسفی اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی قائل باشیم، چه شرایطی برای آن لازم است و این پیش‌شرطها (در این پژوهش: نقش دولت و مسئله پذیرش شخصیت حقوقی توسط دولت)، چه مقدمات نظری را با خود برای مقوله هوش مصنوعی به دنبال دارد.

۱. رجیبی، (۱۳۹۸)، صص ۴۶۴-۴۶۵.

۲. ذوالقدر، محمد جواد (۱۴۰۲). همان، صص ۱۵۰-۱۵۲.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل‌هایی که شرح آن در مباحث پیشین گذشت، ماهیت شخصیت حقوقی اعتباری و طریقه ایجاد آن نیز طی یک فرایند اعتباری می‌باشد. نوشته حاضر در صدد آن برآمد که نقش دولت در اعطای شخصیت به ماهیات غیرانسانی را دریابد و آن را بر مسئله شخصیت حقوقی هوش مصنوعی منطبق سازد؛ از آن رو که سوالات حقوقی پیرامون هوش مصنوعی عمدتاً فرع بر حل مسئله شخصیت حقوقی هوش مصنوعی هستند و تا حل این پرسش، حل سوالات دیگر ممکن نیست.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دولت به معنای اعم می‌تواند در فرایند اعطای شخصیت حقوقی به ماهیات غیرانسانی هم به عنوان معتبر و هم به عنوان تأییدکننده نقش ایفا نماید. بدین صورت که دولت اگر در تأسیس یک شرکت دولتی -آنچنان که در مقررات آمده و ذکر آن رفت- از ابتدا به شخص حقوقی، شخصیت حقوقی دهد، خود به عنوان معتبر عمل نموده و وجود ماهیتی جدید را به عالم اعتباریات سبب شده است. همچنین دولت از طریق تدارک چهارچوب‌های قانونی برای ایجاد اشخاص حقوقی و تهیه مقررات تفصیلی در این حوزه و نیز از طریق تضمین عدم مغایرت ایجاد اشخاص حقوقی جدید با موازین کلی حقوق و قانون بر ایجاد اشخاص حقوقی تأثیر پیشینی دارد. همچنین با وجود نهاد ثبت در اختیار دولت، عملاً ایجاد شخصیت حقوقی در مرحله نهایی آن، در دست دولت خواهد بود. در واقع اگر افراد با اراده آزاد، اقدام به انشای قراردادهایی می‌نمایند که اثر آن ایجاد شخص حقوقی جدید است، علاوه بر اینکه این اقدام ایشان، در چهارچوب مقررات پیش‌بینی شده توسط دولت انجام می‌شود، در نهایت پس از وقوع ثبت، تثبیت می‌شود. با این تفصیل، به نظر می‌رسد نتیجه اعتبار، که بسط آن در مباحث پیشین آمد، می‌تواند پایه و اساسی شبیه به شرکت‌های تجاری و مؤسسه‌های غیرتجاری یابد. همچنین از حیث عملی نیز نتیجه اقرب به صواب همین است. زیرا به نظر می‌رسد این نظر با مبانی اعطای شخصیت حقوقی سازگارتر و با واقعیات عملی آن نیز همخوان تر باشد. از این رو، گرچه قانون‌گذار فعلاً چنین نهادی را پیش‌بینی نکرده و برای ثبت آن نیز حکمی صادر ننموده است، ولی همان‌طور که شرح آن گذشت مدلول این ادعا، با خطوط کلی حقوق ایران

سازگار است. ضمن اینکه وجود مقررات مفصل در حوزه شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجارتی، قضات دادگاه و مفسران دانشگاه را قادر می‌سازد تا عندالاقضاء، بعد از شناسایی این نهاد در نصوص قانونی، در موارد ابهام در کشف حکم (نسبت به احکام جزئی در خصوص شخص حقوقی هوش مصنوعی)، از راهکارهای متناسب با آنچه در بحث شرکت‌ها وجود دارد، بهره‌مند شوند.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

۱. اسکینی، ربیعا، (۱۳۹۸) حقوق شرکتهای تجاری، تهران: انتشارات سمت
۲. امامی، سید حسن (۱۳۸۹) حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی، جلد چهارم.
۳. انصاری، مسعود و محمد علی طاهری، (۱۳۸۸). دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: انتشارات جنگل جاودانه، جلد دوم.
۴. انصاری، مهدی (۱۳۹۰). «نظریه نقض کارآمد قرارداد از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۱، فروردین ۱۳۹۰، صص ۳۹-۵۷.
۵. پاسبان، محمد رضا، (۱۳۹۸). حقوق شرکت‌های تجاری، تهران: انتشارات سمت، ویراست دوم
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۸). فلسفه حقوق مدنی: عناصر عمومی عقود، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، جلد اول
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۸). تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم با ویرایش جدید
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۹). فلسفه اعلی در علم حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم.
۹. حبیبیا، سعید و گلریز مهرداد قائم مقامی. ۱۴۰۱. «امکان‌سنجی حمایت از الگوریتم‌های به کار رفته در هوش مصنوعی در قالب کپی‌رایت: مطالعه تطبیقی در اتحادیه اروپا و آمریکا.» تحقیقات حقوقی زمستان ۱۴۰۱- شماره ۱۰۰، صص ۸۷ تا ۱۱۰.
۱۰. ذوالقدر، محمد جواد (۱۴۰۲). امکان‌سنجی اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی، پایان نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. راسل، استوارت و پیتر نورویگ (۱۴۰۰). هوش مصنوعی (رهیافتی نوین)، جعفر نژاد قمی، عین اله (مترجم)، تهران: انتشارات علوم رایانه، ویراست چهارم (۲۰۲۰).
۱۲. رجیبی، عبدالله (۱۳۹۸). ضمان در هوش مصنوعی. مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۲، ۴۴۹-۴۶۶
۱۳. ساکت، محمد حسین، (۱۳۸۶). شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ سوم.

۱۴. ساکت، محمد حسین، (۱۳۸۷). حقوق‌شناسی، دیپاچه‌ای بر دانش حقوق، تهران: نشر ثالث، چاپ نخست.
۱۵. شهیدی، مهدی، (۱۳۹۶). حقوق مدنی: تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران: انتشارات مجد، چاپ سیزدهم
۱۶. صفار، محمد جواد، (۱۳۹۵). شخصیت حقوقی، تهران: انتشارات بهنامی، چاپ دوم
۱۷. صفایی، سید حسین و محمد هادی جواهر کلام (۱۴۰۱). حقوق مدنی پیشرفته، شرکت مدنی (اشاعه، شرکت ادنی، شرکت معاوضی، تقسیم مال مشاع)، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، جلد سوم
۱۸. صفایی، سید حسین، (۱۳۹۴). حقوق مدنی: اشخاص و محجورین، تهران: انتشارات سمت. ویراست ۵.
۱۹. صقری، محمد (۱۴۰۱)، دوره جدید حقوق بازرگانی: شرکت‌ها، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۲۰. طباطبایی حصارى، نسرین و سروش صفی‌زاده (۱۴۰۰). نظام ثبت شرکت‌های تجاری در آینه حق دسترسی به اطلاعات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۲۱. عیساىی تفرشى، محمد، (۱۴۰۰). حقوق شرکت‌های تجاری، چ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، جلد یکم. ویراست دوم
۲۲. عیساىی تفرشى، محمد، (۱۴۰۰). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، جلد دوم
۲۳. کاتوزیان، امیر ناصر، (۱۳۹۵)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ ۱۰۷، ویرایش جدید
۲۴. کاویانی، کوروش (۱۳۹۸). حقوق شرکت‌های تجاری (حقوق تجارت ۲)، تهران: انتشارات میزان، چاپ ششم: با تجدیدنظر کامل.
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی و محمد مهربار (۱۳۹۹). «شخصیت حقوقی زکات در منظر فقهی و ارتباط آن با بیت‌المال»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجاه و سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۴۲۳-۴۴۱.
۲۶. موحد، محمد علی (۱۴۰۰) در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران: انتشارات کارنامه، چاپ ششم
۲۷. موحد، محمد علی، (۱۴۰۱) در خانه اگر کس است، تهران: انتشارات کارنامه.

۲۸. نخعی پور، قاسم و محمد علی سعیدی، (۱۳۹۸). «اعتبارات عقلایی در تحلیل مبنای شخصیت حقوقی»، آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۶۱-۸۹.

ب- منابع انگلیسی

29. Allgrove, Benjamin D, (2004). **Legal Personality for Artificial Intellects: Pragmatic Solution or Science Fiction?**, A Dissertation submitted to qualify for the degree of Master of Philosophy, Oxford University
30. Almajid, Walid Mohamm. (2010). "*Can electronic agents be granted legal personality under Islamic law a conceptual rethink is imperative*". Arab Law Quarterly, Vol. 24, No. 4 (2010), pp. 393-416 (24 pages)
31. Bryson, Joanna J. (2010). "**Robots should be slaves. Close Engagements with Artificial Companions: Key social**", psychological, ethical and design issues, Vol.8, Pp.63-74.
32. Čerka, Paulius; Jurgita Grigiene and Gintare Sirbikyte ` , (2017). "**Is it possible to grant legal personality to artificial intelligence software systems?**", Computer law and security review. London: Elsevier Ltd, 2017, Vol. 33, iss. 5
33. Fenwick, Mark and Stefan Wrebka, (2022). "**AI and Legal Personhood**" in: The Cambridge Handbook of Artificial Intelligence: Global Perspectives on Law and Ethics. Cambridge University Press.
34. Gamauf, Richard (2009). "**Slaves doing business: The role of Roman law in the economy of a Roman household**" European Review of History, Vol.16, Iss.3, Pp.331-346.
35. Morse, Geoffrey (1995). **Charlesworth & Morse Company Law**, London: Sweet & Maxwell publications, 15th edition
36. Kurki, Visa A.J. (2019). **A Theory of Legal Personhood**, OXFORD University Press, LEGAL PHILOSOPHY Series
37. Pagallo, Ugo (2013). **The Laws of Robots: Crimes, Contracts, and Torts**, Springer Dordrecht, first edition

38. Pal Singh, Nagesh and Nidhish Dev Lomash, (2021). “**Future of AI as Legal Personality**”, International Journal of Law Management and Humanities, Volume 4, Issue 5, Page 1116 - 1122;
39. Sangam, Shakuntla (2020). “**Legal Personality for Artificial Intelligence with Special Reference to Robot: A Critical Appraisal**”, Indian Journal of Law and Human Behavior, Volume 6 Number 1
40. Wagner, Gerhard (2018). “**Robot Liability**” in: Forschungsinstituts für Recht und digitale Transformation, working paper no.2, 2019
41. Whyment, Robert (2014). “**From the archive, 9 December 1981: Robot kills factory worker**”, Available at:
<https://www.theguardian.com/theguardian/2014/dec/09/robot-kills-factory-worker>